

گزیدهٔ زیباشناسی ہگل (۳)

ویراست جدید

محمود عبادیان



پنہ گشتی

۱۳۹۵

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	سخن ناشر
۱۱	پیشگفتار
	فصل اول؛ پیشینه زیباشناسی هگل: مناسبت ذائقه
۱۳	هنری و شناخت
۲۳	اولین اندیشه زیباشناسی هگل
	فصل دوم؛ مروری بر زیباشناسی هگل: هنر در واقع
۲۵	نخستین معلم توده مردم بوده است
۲۸	زیبایی هنری و زیبایی طبیعی
۳۰	شیوه‌های علمی بررسی امر زیبا و هنر
۳۱	مفهوم زیبایی هنری
۳۲	تصورات معمول در باب هنر
۳۴	مفهوم حقیقی هنر
۳۵	مفهوم امر زیبا به‌طور کلی - ایده
۳۶	ایده امر زیبا

۳۷	زیبایی طبیعی	۳۷
۴۳	فصل سوم؛ گزارش فلسفه هنر یا استتیک هگل	۴۳
۴۵	۱. تفکیک و تقسیم‌بندی شکل‌های هنر	۴۵
۵۴	۱-۱. سمبولیک ناآگاهانه	۵۴
۵۴	۲-۱. سمبولیک تخیلی	۵۴
۵۴	۳-۱. سمبولیک خاص	۵۴
۵۵	سمبولیک آگاهانه	۵۵
۵۵	۲. هنر کلاسیک	۵۵
۵۶	۱-۲. در هنر کلاسیک	۵۶
۵۶	۲-۲. هنر یونان به‌مثابه تجسم عینی هنر کلاسیک	۵۶
۵۷	۳. هنر رمانتیک	۵۷
۶۳	فصل چهارم؛ سیستم هنرهای خاص	۶۳
۶۷	آثار معماری در نوسان بین معماری و تندیس	۶۷
۶۸	ستون هرمی‌شکل	۶۸
۶۸	ممنون‌ها	۶۸
۶۹	معماری پرستشکده مصری	۶۹
۷۱	گذار به معماری خدماتی	۷۱
۷۲	خصلت کلی معماری ارگانیک، در خدمت منظور بودن	۷۲
۷۳	تناسب بنا نسبت به هدف	۷۳
۷۳	خانه به‌عنوان سنخ اساسی بنا	۷۳
۷۴	معماری رمانتیک	۷۴
۷۵	فرم‌اسیون‌های خاص معماری	۷۵
۷۶	شکل درونی و بیرونی بنا	۷۶
۷۶	نحوه تزئین	۷۶
۷۷	سبک‌های گوناگون در معماری رمانتیک	۷۷
۷۷	معماری طاق کمانی رومی	۷۷
۷۸	تندیس	۷۸
۷۹	اصل (مبدأ) تندیس به‌طور مشخص	۷۹
۷۹	محتوای بنیادی تندیس	۷۹
۸۰	هیئت تندیس زیبا	۸۰
۸۱	تندیس به مثابه هنر آرمان کلاسیک	۸۱
۸۱	آرمان در تندیس	۸۱
۸۲	حالت و حرکت بدن	۸۲
۸۳	فردیت هیئت تندیس ایدئال	۸۳
۸۳	تجسم خدایان متفرد	۸۳
۸۴	تندیس مسیحی	۸۴
۸۵	فصل پنجم؛ نظام هنرهای متفرد	۸۵
۸۷	هنرهای رمانتیک	۸۷
۸۸	نقاشی	۸۸
۹۲	تعیین اساسی موضوع نقاشی	۹۲
۹۲	مصالح حسی در نقاشی	۹۲
۹۳	درک هنری، کمپوزیسیون و بارز کردن	۹۳

- ۹۴ موسیقی
- ۹۵ خصلت کلی موسیقی
- ۹۵ دریافت موسیقایی محتوا
- ۹۶ تأثیر موسیقی
- ۹۷ تبیین وسایل ابزاری خاص در موسیقی
- ۹۸ شعر
- ۱۰۱ گونه‌های شعر
- ۱۰۱ مناسبت شعر با علم، فلسفه و با دیگر هنرها
- ۱۰۲ گونه‌های شعر
- ۱۰۴ شعر غنایی
- ۱۰۵ شعر دراماتیک
- ۱۰۷ بارزهای اثر دراماتیک
- ۱۰۸ انشا، دیالوگ، وزن و قافیه
- انواع شعر دراماتیک و ویژگی‌های عمده‌ای که در
- ۱۰۸ تاریخ داشته‌اند
- ۱۰۹ تراژدی
- ۱۱۰ جایگاه هنر در عصر علوم و فلسفه
- ۱۱۵ منابع

زیبایی - خاصه زیبایی هنری - در تعیین اولیه خود همواره با نیکی و حقیقت (شناخت) توأمان بود و با آنها مناسبت ذاتی داشت. این تلقی از امر زیبا که بارزۀ فلسفۀ یونان باستان (افلاطون، جمهوری) بود در زیباشناسی عصر جدید اعتبار خود را از دست داده است. پیدایش معارضه بین تفکر تجربه‌گرایی و عقل‌گرایی شکاف میان زیبایی، نیکی و شناخت و جاهت فلسفی یافت، امری که بر تبیین و تعریف بعدی زیباشناسی سایه افکند. این نکته از قرن هجدهم مورد توجه نظریه‌پردازان زیباشناسی قرار گرفت و محافل فلسفی به آن با دیدهٔ معضلی می‌نگریستند که آنان را دعوت به پاسخگویی به مسئله می‌کرد، این توجه بیش از همه در فلسفۀ آلمان پدیدار گشت.

از میان اولین کسانی که نسبت به این موضوع افادۀ نظر کردند، می‌توان از یوهان یواخیم وینکلمان^۱ (۱۷۱۷-۱۷۶۸) و آلکساندر یوهان بومگارتن^۲ (۱۷۱۴-۱۷۶۲) نام برد. آنها کوشیدند برای تعریف و تبیین دقیق موضوع، کسب تجربه کنند: وینکلمان در هنرهای

۱. Winckelmann، باستان‌شناس و مورخ هنر باستانی آلمان - و.

۲. Baumgarten. او با نوشتن کتاب *زیبایی‌شناسی* یکی از بنیانگذاران زیبایی‌شناسی

محسوب می‌شود - و.

روزگار باستان به کاوش پرداخت و معیارهای زیباشناسی آن را نمونه آرمانی کامل زیبایی برای تمام دوره‌ها دانست، بی‌آنکه شرایط زمانی‌ای را که زمینه پیدایش آن معیارها شده بود حائز اهمیت تلقی کند. وینکلمان نماینده درک مدرن تاریخ به‌شمار می‌رفت؛ او برای اولین‌بار در کاوش‌های خود روش پژوهش تطبیقی را به‌کار برد. وینکلمان شیفته حالت آرام و وارستگی زیبایی آثار هنری یونان بود و وقار و هارمونی آن را در تجسم پیکر انسانی می‌ستود. بومگارتن برای اثر هنری مرتبتی پایین‌تر از شناخت علمی قائل بود. او معتقد بود که در تفاوت با منطق عقل، مناسب دارد از منطق تخیل تصویرپرداز سخن گفته شود. در ضمن بومگارتن بود که زیباشناسی را به‌عنوان یک رشته فلسفی مستقل اعلام کرد.

گوتهلد افرائیم‌لسینگ (۱۷۲۹-۱۷۸۱) نظریه‌پرداز هنری زمان چرخش کلاسیسم به عصر روشنگری در آلمان بود. او که در زمینه‌های تئاتر و نمایش‌نامه‌نویسی عصر روشنگری فعالیت داشت و نقش مهمی در توسعه تئاتر شهروندی ایفا کرد، نظریات زیباشناسی و منتقدانه خود را در *دراماتورگی هامبورگ* و در *مرزهای نقاشی و شعر* در *Laokoon* مطرح کرد.

زیباشناسی در فلسفه کلاسیک آلمان در پوشش آموزه‌های فلسفی نمایندگان آن، مطرح و بررسی می‌شد. یکی از برجسته‌ترین این موارد در نظام فلسفی ایمانوئل کانت (۱۷۲۴-۱۸۰۴) بازتاب یافت. از مسائلی که در فلسفه انتقادی کانت^۱ (به‌ویژه در نقد سوم)

مطرح گردید، مسئله مناسب ذائقه هنری با شناخت است که آن را می‌توان پژوهش میان تجربه‌گرایی و عقل‌گرایی فلسفی به‌حساب آورد. کانت تصمیم گرفت این مسئله را با ضوابط فلسفه خود تعریف و تبیین کند. البته روشی که او در این راه پیش گرفت با سنتی که تا آن‌زمان شناخته شده بود تفاوت داشت؛ او بر آن شد معضل را با توجه به تحلیلی از قوا و امکانات شناختی عقل حل کند. تصورش این بود که با طرح و حل مسئله از این راه می‌توان بین ادعای تجربه‌گرایان و عقل‌گرایان سازش برقرار کرد. از همین‌رو پس از تألیف *نقد عقل نظری و نقد عقل عملی* به طرح مسائل معطوف به ذائقه و شناخت در نقد قوه قضاوت پرداخت.

کانت در مورد مسائل زیباشناسی نیز وجود «اصول پیشینی»^۱ را از لحاظ نظری برای نقش عامل شناسا^۲ لازم می‌دانست. او معتقد بود برای آنکه شناخت، رفتار و قضاوت به‌طور کلی بتواند تحقق‌پذیر گردند، اصول پیشینی ضرورت دارد. در نتیجه او با این کار طرح مسئله را آن‌چنان‌که تجربه‌گرایان و عقل‌گرایان پیش کشیده بودند، نارسا دانست. او به این نتیجه رسید که موفق به حل و آشتی دادن اختلاف این دو مکتب بر سر استلزام‌های ذوق و شناخت شده است.

آن‌چه کانت در این مورد به‌دست آورد، این بود که در تحلیل نظریه شناخت در وهله نخست باید به نقش واقعی عامل شناسا توجه کرد؛ به این‌معنا که شناخت «شیء فی‌نفسه» تنها در صورت لحاظ

1. apriori
2. subject

۱. Kant. مهم‌ترین کار او در زمینه زیبایی‌شناسی، نقد سوم است که در کتاب نقد قوه عقل مطرح شده است - و.